

درس عبرت تاریخ از ما



سیدمصطفی هاشمی طبا

می‌گویند تاریخ آینه عبرت است. عبرت همان پندآموزی و نصیحت است و تاریخ آینه عبرت است، یعنی انسان می‌تواند از تاریخ پند و نصیحت بی‌پذیرد. البته هر موضوع مطرح در تاریخ مشخصات و ویژگی‌های مربوط به خود را دارد و برای یک بار اتفاق می‌افتد؛ زیرا موضوع، افراد، شرایط اجتماعی و… قابل تطبیق نیست. به همین دلیل ابن خلدون، مورخ مشهور، این عبارت را قابل‌قبول نمی‌داند. اما مطالعه در سیر تاریخی تفکرات و تصمیمات می‌تواند جهت‌گیری‌های لازم را به انسان ارائه کند؛ زیرا مجموعه دانی‌های انسان از بستر تاریخ به‌طور طبیعی با قیاس قابل درک و نتیجه‌گیری است. شاید بهتر است بگوییم بی‌اعتنایی به مفاهیم تاریخی و عدم استنباط قیاسی از حوادث تاریخ، منتج به جهل برای تصمیم‌گیری می‌شود، وگرنه هیچ تصمیم جدیدی را نمی‌توان منطبق با تصمیمات متخذه در طول تاریخ دانست. اما می‌توان نسبت به حوادث گذشته و تصمیمات متخذه بررسی و در چند محور آنها را مورد توجه قرار داد.

۱- پرهیز از خودمحوری: در طول تاریخ افراد بسیاری بوده‌اند که با بزرگ‌نمایی خود یا به عرصه جهانی گذاشته‌اند و صدا‌لبته در ابتدا شاهد توفیقاتی در قتل و غارت و کشورگشایی بوده‌اند، ولی در نهایت با تحمل شکست‌های فاحش نابود شده‌اند. پیروزی‌های مقطعی و تاکتیکی لزوماً نمی‌تواند پایه‌ای بر یک پیروزی استراتژیک باشد. شاید ناپلئون و در دوره اخیر صدام حسین نمونه‌هایی از این خودمحوری باشند. ۲- پرهیز از اندیشه‌ها و اهداف غیرملموس: در تاریخ بسیار اتفاق افتاده که رهبرانی اندیشه یکپارچه‌سازی، وحدت و الف‌ا، همه‌گیرکردن یک ایدئولوژی، یک تفکر یا یک رهبری را داشته‌اند. اندیشه ناپلئون در وحدت فیزیکی اروپا و اندیشه متوهمان مبتکر در جهانی‌کردن اندیشه نازیسم و سلطه بر جهان نمونه‌هایی از آن است. در حالی که در اسلام، قرآن به پیامبر خود حضرت ختمی مرتبت(ص) تصریح می‌کند تنها اسلام دین برحق است و تاکید می‌کند که ای پیامبر، تو فقط انذاردهنده هستی، تو بر مردم سلطه و سلطنت نداری.

۳- پرهیز از خشونت: سراسر تاریخ مملو است از خشونت‌های وحشتناک و غیرضروری. بسیاری از فتوحات می‌توانست بدون اعمال خشونت‌های غیرلازم صورت گیرد. فتح شهرها و انتقام با قتل عام مردم عادی، کورکردن ساکنان یک شهر، بمباران اتمی ساکنان شهرها و قتل‌عام نیم‌میلیون نفر، بمباران کور شهرها در جنگ جهانی اول و دوم و بسیاری دیگر از این نوع کشتارهای غیرضروری که امروز از درون تاریخ به سردمداران استعمار جهانی و صهیونیسم به ارث رسیده، نمی‌تواند متضمن پیروزی و خوشبختی عاملان آن باشد و فقط بر نفرت انسان‌ها می‌افزاید که نهایتاً به نابودی عاملان خشونت منجر می‌شود. فتح مکه و روش پیامبر(ص) در بخشش آنان که بدترین رفتار را با پیامبر(ص) داشتند، نشان از این حقیقت است که قتل و جنایت نمی‌تواند حل مشکل کند و برعکس، شیوه پیامبر(ص) گرامی باعث تحبیب قلوب می‌شود.

۴- پرهیز از پذیرفتن توصیه‌های غیرمعقول و غیرانسانی از سوی مشاوران؛ چه در ایران مشاوران و نزدیکان پادشاهانی که قبله عالم خوانده می‌شدند و چه مشاورانی در تاریخ که رهبران را تحریک می‌کردند تا خلاف کنند. توصیه‌های شاپشال پهلودی-روسی مشاور محمدعلی شاه و دیگر نزدیکان او در حمله به مشروطه‌خواهان و مجلس و سید مجاهد در تشویق فتحعلی‌شاه برای جنگ با روسیه از نمونه‌های آن است.

۵- پرهیز از مصاف نابرابر: صرف‌نظر از آنچه مقاومت در برابر مهاجم و متجاوز، حتی با عده و غده کم خوانده می‌شود و ضرورت اقتضا می‌کند که در برابر مهاجم حتی با توان کمتر مقاومت و ایستادگی کرد، تصورات نادرست در برخی موارد موجب رودرویی نابرابر و صدمه و شکست می‌شود و باید با رعایت تمام جوانب تصمیم‌گیری کرد. در تهاجم و تجاوز ناجوانمردانه آمریکا -صهیونیسم به کشورمان خوشبختانه تصمیمات به‌موقع و شایسته‌ای اتخاذ شد و بدین‌سان اهداف ناجوانمردانه دشمن با شکست روبرو و موجب سربلندی ایران و سرشکستگی دشمنان و تقاهم‌نامه‌ای شد که از حیث اعتبار برای

ایران و قبول سرافکنندگی برای آمریکا در تاریخ ایران و آمریکا بی‌سابقه است.

پنجشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۵ ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۲۷ آگوست ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۶۱
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
 • پیمان ابراهیم شرط پذیرش عربستان هسته‌ای
 • با قلعه‌نویی تا پایان جام‌ملت‌ها
 • چرا نظام حقوقی کشور ما پیشرفت نمی‌کند؟

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «شرق» طرح پرحاشیه مقابله با نفوذ را نقد کردند

مجلس در پیچ قانونی

گزارش تئریک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش «شرق» از روایت‌های متضاد درباره سرنوشت تنگه هرمز به دنبال بیانیه مشترک تهران و مسقط

معمای تنگه



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس عطا کار

یادداشت

دولت‌های کارآمد



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

مناسب را به نمایش می‌گذارند و از سایر مؤلفه‌های اقتصادی شایسته بهره‌مند هستند. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا سایر کشورهایی که در گروه نظام دسترسی محدود قرار دارند، کشورهایی به لحاظ اقتصادی ناتوان و رو به زوال شناخته می‌شوند؟ آدریان لفت‌ویچ در کتاب «دولت‌های توسعه‌گر»، دولت‌ها را به لحاظ سیاسی به دو قسم دولت‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک (اقتدارگر) مجزا می‌کند. او توضیح می‌دهد برخی دولت‌های اقتدارگرا هرگز نتوانسته‌اند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورند. ساختار سیاسی بسته این جوامع با ایجاد سازمان‌های اقتصادی بسته و انحصاری، منافع اقتصادی را در اختیار اقلیتی ممتاز قرار می‌دهد. تنها تعداد محدودی از افراد که توانسته‌اند در گروه ائتلاف مسلط حاکم بر جامعه نفوذ پیدا کنند، قادرند به رانت‌ها، امتیازها و انحصارهای اقتصادی متصل شوند. شارما در کتاب «ظهور

یادداشت

فضای عمومی شهری برای کیست؟



ترانه‌یلدا

معمارو شهرساز

تا زمانی که طراحان معمار و شهرساز درک درستی از خواسته‌های مردم شهر و محلات مختلف آن برای حضور در فضاهای عمومی شهرها پیدا نکنند و شهرداری‌ها مایل به پذیرش گروه‌های مختلف مردمی به لحاظ رفتار اجتماعی در فضاهای شهری نباشند و خود مردم هم نقش آفرین نباشند، خیابان‌های ما چهره‌ای سرزنده نخواهند داشت. قبلاً بارها گفته‌ایم که حضور همه شهروندان در شکل‌گیری محیط‌های مناسب جمعی در فضاهای عمومی شرط است. مردم ما همین پارک‌های معدود شهرها را به‌عنوان حیاط و باغچه عمومی خانه‌های آپارتمانی خود قبول کرده‌اند؛ اما حتی بعضی خیابان‌های شلوغ مرکز شهر، به خاطر گذر موتوری‌ها، اصلاً پیاده‌روهای امن ندارند تا خانواده‌ها بخواهند برای گردش و خرید به آنها پا بگذارند. شهری که تفاوت‌ها را به رسمیت نشناسد، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی شهر را نادیده گرفته است و شهرداری و دولت نیز با این امتناع، محبوبیتی جذب نخواهند کرد. و امروز، این‌طور هم نیست که خیابان‌های شهرهایمان خالی باشند؛ برعکس، شریان‌های اصلی در پیاده‌روهایشان پذیرای هزاران دست‌فروش هستند که برای امرار معاش ناچارند با تمام مصائبی که می‌دانیم، با شهرداری کنار بیایند و بساط خود را در کنار خیابان پهن کنند و جایی هم برای عبور پیاده‌ها باز بگذارند و به این ترتیب بخشی از راه عبور را به هزار زحمت تصاحب کنند. کافی است به خیابان‌های انقلاب، ولیعصر و جمهوری تهران سری بزنیم. با این حال، فضاهای عمومی مناسبی هم داریم مثل میدان مشق که کاملاً سوت‌وگو و خالی رها شده‌اند و جای مراسم و ایونت‌های شاد قبلی در آنها خالی است. حتی یک نیمکت در آنجا نگذاشته‌اند که مبدا دو نفر از دانشجویان دانشگاه هنر بخواهند چند دقیقه قهقهه بکن چن‌ها و زیر سایه درختان بنشینند. در واقع شهرداری آنجا را به‌عنوان حیاط‌خلوت وزارت خارجه خیلی شیک و قشنگ طراحی کرده، اما درهای دروازه زیبایی همیشه بسته است و محوطه هیچ ورودی آزادی ندارد، مگر یک گذر کوچک باز در گوشه نرده‌های سرتاسری خیابان سی‌تیر که آن را هم بعد از وقت اداری می‌بندند. حال وقتی صحبت از این می‌شود که مردم چگونه می‌توانند شهر را از آن خود بدانند، موضوع جالب‌تر می‌شود. در نشست‌ی با میزبانی یک کتاب‌فروشی جذاب شهرمان شرکت کردم که سه استاد دانشگاه به این موضوع پرداختند و صحبت شد که شهر، جایی است که در آن ساختارهای قدرت و شهروندان پیوسته برای تصاحب و تعریف فضا با یکدیگر کشمکش دارند. و اتفاقاً به این تفاهم رسیدیم که

و سقوط ملت‌ها» با ذکر چند مثال این موضوع را روشن می‌کند. در زمان دیکتاتوری سوهارتو در اندونزی، در برخی بانک‌ها ۹۰ درصد وام پرداختی به نزدیکان و آشنایان دولتمردان تعلق می‌گرفت. وام‌هایی که به واسطه وجود روابط خاص دریافت شده بود، بازپرداخت نمی‌شد. تحقیقات بازرسان نشان می‌داد بسیاری از بانک‌های دولتی ورشکست بودند. وقتی میزان فساد آشکار شد، ارزش سهام بانک‌های اندونزی در سال ۱۹۹۸ تا نزدیک صفر سقوط کرد. در سال ۱۹۹۸، ۸۰ درصد ارزش پول ملی اندونزی از بین رفت و کشور در فلاکت اقتصادی گرفتار شد. چانگ، اقتصاددان کرای، در کتاب «نیکوکاران نابکار»، مدعی می‌شود سوهارتو در دوران حکومت خود (۱۹۶۶–۱۹۹۸) نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار از اقتصاد اندونزی ربود و در قبضه خود و نزدیکانش قرار داد. برخی این مبلغ را تا ۳۵ میلیارد دلار هم برآورد می‌کنند. فرزندان سوهارتو از ثروتمندترین صاحبان کسب‌وکار کشور بودند. در نهایت سوهارتو و نزدیکانش معادل پنج پنج برابر درآمد ملی کشورش در سال ۱۹۶۱ به یغما برده‌اند. اما به استناد آدریان لفت‌ویچ سرنوشت تمامی حکومت‌های غیردموکراتیک مانند اندونزی دوره سوهارتو اسفبار و تکان‌دهنده نبوده است، او توضیح می‌دهد که در میان کشورهای غیردموکراتیک (اقتدارگر) می‌توان مواردی را یافت که به لحاظ اقتصادی کشورهایی قابل اتکا و معتبر هستند. او در این زمینه به کشورهایی مانند تایوان، کره جنوبی، سنگاپور و چین اشاره می‌کند.

مردم، حتی در دل سیاست‌گذاری‌های محدودکننده، با کنش‌های روزمره خود می‌توانند فضاهای شهری را از نو معنا کرده و فضای عمومی را از آن خود کنند. سخنران مقصود فراستخواه گفت: «خود بودن، عواطف، هنجارها و ارتباطات تاکنون انگشت‌شمار بوده‌اند و در کشور ما اصولاً در شهری (و با طراحی کالبد شهری)، فضا را به‌گونه‌ای بازنمایی می‌کند که شهر را همان‌گونه ببینیم که آنها می‌خواهند. با این حال، شهروندان نیز فضاهای بازنمایی خود را خلق می‌کنند. برای مثال، در چند دهه گذشته دختران ما دانشگاه‌ها را از آن خود کردند؛ یا پاساژها برای خرید ساخته شدند، اما مردم پاسازگردی را به بخشی از سبک زندگی خود تبدیل کردند و این فضاها را از آن خود کردند». فراستخواه در ادامه گفت: «خیابان تنها جای عبور نیست؛ عرصه پرسه‌زنی و امر سیاسی». اشاره دارد که چگونه گفت‌وگوی سقراط فیلسوف در کوی و برزن با مردم بر سر مسائل روزمره بوده است که خود بیانگر پیوند تنگاتنگ فلسفه و فضای عمومی است. از جلوه‌های دیگر پیوند سیاست و فضای عمومی در پولیس یا شهر یونانی، تئاتر بوده است و تلقی از تئاتر نه صرفاً نمایش، بلکه آموزش سیاسی نیز بوده است. این سنت تئاتر بعدها در فرهنگ کارناوال ادامه یافت و به‌ویژه در تداوم فرهنگ سرزندگی فضای عمومی در دوران تاریک قرون وسطی نقش بسزایی داشت. کارناوال به معنای تسخیر آزادانه فضا توسط مردم و گسست از روند عادی زندگی روزمره، یک مفهوم مهم در بحث فضای عمومی است که بسیاری از اندیشمندان معاصر به آن پرداخته‌اند. آنچه مسلم است، فضای عمومی به قول دکتر محمد نظریور، استاد دانشگاه، چیزی فراتر از یک کپسول متحرک برای عبور است.

۵ شهریور، سالروز تولد غلامرضا تختی

مردی که یکه بود و هنوز هست

برگزیده‌ها

«شرق» از علت شلوغی و تراکم جمعیت در بهم‌بنزین‌های پایتخت گزارش می‌دهد

ازدحام در جایگاه‌های سوخت تهران

روایت زنانی که بار بحران معیشتی را بر دوش می‌کشد

زنان، قربانیان کار فصلی

«قسد» منحل شد
مظلوم عبیدی
ورؤیای بی‌فرجام

تحولی مهم هم‌زمان با سفر نخست وزیر بریتانیا به اوکراین

اطلاعات محرمانه فناوری موشک‌های دوربرد روی میز زلنسکی

برسپولیس در اولین محک جدی، در تقابلی شش امتیازی مقابل ترانکتور شکست خورد تا حواشی به اوج خود برسد

پایان ماه‌عسل تارتار؟

بیمار کنشگر و مطالبات ضدونقیض

یادداشتی از ایرج سبحانی

هدیه‌ای از جنس نقد

معاونت پارلمانی دولت کجاست



سیدمحمدعلی ابطی

پارلمان در نظام حکومتی جمهوری اسلامی جایگاه مهمی دارد. دولت و سایر قوا باید پایبند به قانون باشند و قانون‌گذار هم مجلس شوراست. داشتن رابطه کاری فعال برای هر دو نهاد بسیار مهم است. این موضوع در ارتباط با مجلس و دولت فعلی و شرایط جنگی بسیار پراهمیت‌تر می‌شود. از سویی تندترین نخله‌های سیاسی مخالف دولت در پارلمان هستند و از سویی دیگر، با شهادت رهبری و عدم دسترسی فراوان و آسان به رهبری جدید، نقش رئیس‌جمهور پرنگتر و ارتباطات، صدای معاونت پارلمانی مردم خطرناک‌تر می‌شود. مدتی است آقای دکتر اسماعیلی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور شده‌اند. تاکنون، حداقل از نظر ارتباطی و خبری، کرکره این معاونت پایین کشیده شده است. شخصیت اثباتی او به‌گونه‌ای است که همه باید از ایشان متعجب کنند. در شورای نگهبان بوده است و نهج‌البلاغه تدریس می‌کرده؛ کتابی که پزشکیان با آن خو گرفته است. اما این جایگاه در این خلا باید بانشاط باشد. فعالیت معاونت پارلمانی، به‌جای حداکثری، حداقلی است، بخشی از آن به خاطر شخصیت فردی آقای اسماعیلی است. نه‌تنها ایشان، بلکه در بعضی وزرا و معاونان آنان هم دیده شده که ابراز بی‌علاقگی به شغل‌شان یا خود را بالاتر دیدن، کار حداکثری و ابتکارات کاری را خلاف شان می‌دانند. پارلمان و دولت دو قوه جدا هستند، اما این دو قوه به همکاری قوی نیازمندند. معاون پارلمانی باید نقطه‌های تند مخالفت با دولت را در نگاه مردم پاسخ بگوید و با نمایندگان مخالف باب گفت‌وگوی علنی باز کند. در هیچ‌یک از این پاسخ‌گویی‌ها و ارتباطات، صدای معاونت پارلمانی شنیده نمی‌شود. چندین لایحه، به دلیل اینکه پارلمان مخالفت می‌کند، به مجلس نرفته یا مرجوع شده است.

📄 ادامه‌در صفحه ۴
📄 ادامه‌در صفحه ۵